

در این شماره از نشریه می‌خوانیم:

هجرتی بالاتر از شهادت

وارثان سرزمین زیتون

زیر پوست آرامش

زخم‌های خاموش

۲۱ سال خدمت در  
خط مقدم نجات جان  
انسان‌ها

# مأوای کریمانه

اولین گاهنامه تخصصی حوزه  
زنان انجمن اسلامی دانشجویان  
دانشگاه علوم پزشکی جهرم

شماره هفتم، ۹ اردیبهشت ماه

به مناسبت میلاد حضرت معصومه  
سلام الله علیها و روز دختران

# شناسنامه

صاحب امتیاز:

فاطمه سادات رضوی

مدیر مسئول:

فاطمه سادات رضوی

سر دبیر:

ریحانه شایان

طراح جلد:

محمد مهدی حسنی

صفحه آرا:

محمد مهدی حسنی

هیئت تحریریه:

زینب اخگر

فاطمه جمشیدی

ریحانه شایان

زهرا قرقانی

مریم عبدالهی

ویراستار:

فاطمه سادات رضوی



انجمن اسلامی دانشجویان  
دانشگاه علوم پزشکی جهرم  
(دفتر تحکیم وحدت)

# فهرست

۲ هجرتی بالاتر از شهادت

۳ وارثان سرزمین زیتون

۴ زیر پوست آرامش

۵ زخم‌های خاموش

۷ ۲۱ سال خدمت در خط مقدم نجات جان انسان‌ها

# ایران، سرزمین دخترانی که تاریخ را دوباره خواهند نوشت...



یکم ذی‌القعدة سال 173 قمری، یادآور تولد دختری است که فاطمه‌ای دیگر شد در قلب زمان.

این روز، تجلی مقدس وجود دختران در آینه جهان است، همان دخترانی که تزریق‌کنندگان آرامش و زیبایی در روح جوامع و محور اصلی یک تمدن‌اند. زنان و دختران در همه ادوار تاریخ، سرآغاز نهضت‌های بزرگ و انقلاب‌های عظیم بودند و خواهند بود.

امروز، زنان و دختران ایرانی به معنای واقعی کلمه، با حفظ وقار و نجابت خود توانسته‌اند پله‌های موفقیت را یکی پس از دیگری طی کنند و خود را به قله شکوفایی برسانند. زنان موفق و مسلمان ایرانی همچون منصوره جوانمردی اولین زن آتش‌نشان ایران یا طناز بحری از دانشمندان برجسته کشورمان یا مریم کوچکی‌نژاد از استادان به نام جهان و ... به‌خوبی توانسته‌اند فعل خواستن را صرف کنند و بهترین‌ها را برای خود و کشورشان به ارمغان آورند.

ما زنان و دختران مسلمان ایرانی می‌توانیم با تلاش و پشتکار خستگی‌ناپذیر خویش، افق‌های تازه‌ای را پیش روی ملت‌مان بگشاییم و مشعل فروزان تمدن را در دستان توانای خویش به پیش ببریم. ما می‌توانیم با علم، ایمان، هنر و اراده، جهانی را از زیبایی، خرد و معنویت سرشار سازیم و نام ایران عزیز را بر قله‌های افتخار تاریخ جاودانه کنیم.

از دامان پاک دختران امروز، زنان آینده‌ای برخاسته‌اند که هر کدام پرچمدار دانایی، صلابت و مهر خواهند بود. هر گامی که برمی‌داریم، هر موفقیتی که به دست می‌آوریم، آینده‌ای خواهد شد برای نسل‌های پسین، تا در آن عزت، غیرت و عشق به آرمان‌های بلند را ببینند و از آن الهام گیرند.

در سرزمین ما، دختران نه تنها گل‌های بوستان زندگی‌اند، بلکه ستون‌های استوار فردای این دیارند؛ آنان که در سایه‌سار ایمان و آزادی، آینده را با دستان توانمند خود می‌نگارند و ستارگان پیشرفت و عظمت را بر آسمان تاریخ می‌نشانند.

آری، ما می‌توانیم و می‌خواهیم که با همت خویش، حماسه‌ای دیگر بیافرینیم؛ حماسه‌ای از جنس نور و افتخار، از تبار ایمان و اندیشه.

امروز، یکم ذی‌القعدة، تنها یادآور تولد بانویی آسمانی نیست؛ بلکه طلیعه‌ی امیدی نو برای همه‌ی دختران این سرزمین است که در پرتو این الگوهای روشن، راه سعادت و سرافرازی را در پیش گیرند.

دختران امروز، زنان سربلند فردا خواهند شد؛ همانانی که تاریخ فردا، به نامشان خواهد بالید و جهان، به تماشای شکوهشان خواهد ایستاد.

**با افتخار تقدیم به تمامی دختران مظلوم غزه**





## هجرتی بالاتر از شهادت

زهرا قرقانی  
پزشکی بهمن ۱۴۰۳

مدینه: یکم ذی القعدة؛ سال ۱۷۳ هـ.ق

خبر تولدش در فضای تاریک و خفقان حکومت هارون الرشید، برای روشن کردن قلب پدرش، موسی بن جعفر (ع) و مادرش، نجمه خاتون چراغ امیدی شده بود. او را فاطمه نامیدند. پدر بزرگوارش، نام سه دختر خود را فاطمه نهاده بود و این حضرت به دلیل بزرگتر بودنش، فاطمه کبری خوانده شد. طبق حدیثی از امام رضا (ع)، از ایشان با نام معصومه نیز یاد کرده است. از مشهورترین صفت این بانو، بلند مرتبه عالمه است؛ چون در مدت زمان کوتاه به درجات بالای علمی و معرفت دینی رسیدند. چنانچه در روایت است که جمعی از شیعیان مسافر در مدینه، برای پرسش سؤالات خود به سمت خانه امام موسی کاظم (ع) رهسپار شدند، وقتی رسیدند متوجه شدند که امام موسی کاظم (ع) و پسرش امام رضا (ع) خانه نیستند، اما جواب سؤالاتشان را از فاطمه کبری - هنگامی که فقط ۶ ساله بودند - دریافت کردند. این جماعت در مسیر بازگشت به امام کاظم (ع) برخورد کردند و جریان را برای ایشان تعریف کردند، امام نوشته را طلبیدند و پس از دیدن صحت پاسخ‌ها سه بار گفتند فداها آبوها (پدرش به قربانش).

مدتی بعد، پدر بزرگوارشان به دست هارون عباسی به شهادت رسید، پس از آن تحت تعلیم و تربیت برادرشان امام رضا (ع) درآمدند. بعد از یک سال، مأمون امام رضا (ع) را به تهدید از مدینه به خراسان منتقل کرد؛ اما پس از مدتی زندگی در غربت، ایشان نامه‌ای برای خواهرشان ارسال کرده و از ایشان خواستند که به خراسان سفر کنند. در شهر ساوه، کاروان حضرت معصومه مورد حمله مأموران حکومت قرار گرفت و همه مردان کاروان به شهادت رسیدند. به گفته مورخان از شدت غم و اندوه شهادت همراهان یا از مسمومیت، بیمار شدند، و به سفارش خودشان ایشان را به شهر قم بردند. بعد از ۱۷ شبانه‌روز که با احوال بیمار به مناجات پرداختند، سرانجام در روز دهم ربیع‌الثانی سال ۲۰۱ هجری در حالی که ۲۸ سال داشتند و دیدگان مبارکشان به دیدار برادر در دیار غربت روشن نشده بود، غروب عمرشان فرا رسید.

اکنون به چند بعد دیگر از این ماجرا می‌پردازیم.

### شهادت یا رحلت؟

به نقل از آیت الله میرباقری، یکی از بزرگترین هجرت‌هایی که تحت نظر امام رضا (ع) اتفاق افتاد، هجرت حضرت معصومه (س) می‌باشد، به طوری که جز السابقون الاولون من المهاجرین در طرح امام می‌باشند. چون حضرت در راه رفتن به خراسان بیمار می‌شوند و در فراق امام هم به شهادت می‌رسند، پس حضرت معصومه فوق شهادت هستند. آیاتی از سوره حدید، به این اشاره دارد که همه مومنین به شهادت می‌رسند، هر مومن محبی مرگش شهادت است. آن‌هایی که ایمان می‌آورند، اتفاق می‌کنند و با امام حرکت می‌کنند، به مقام شهادت می‌رسند.

### ماموریتی مهم در ایران برای تغییر مسیر تاریخ:

ایران علاوه بر خوش آب‌وهوا بودن، همیشه به‌عنوان یک منطقه مهم برای تمدن‌سازی، مورد نظر اهل‌بیت واقع شده بود. هرکدام از اهل‌بیت در دوران امامتشان برای این هدف تلاش کردند و سه نقطه از ایران را مورد هدف قرار دادند (قم، مشهد، ری)

### منطقه عملیاتی قم:

شروع توجه اهل‌بیت به قم از عصر امام باقر (ع) و امام صادق (ع) شروع شد. این شهر از ابتدا برای پرورش شیعیان خاص ساخته و برای کادرسازی اصحاب آخر الزمانی پایه‌گذاری شد. اهل‌بیت بسیار هوشمندانه منطقه قم را که بسیار خشک و بی‌آب بود و حکومت‌ها به آن توجه نداشتند، انتخاب کردند. آن‌ها می‌خواستند قم به یک مرکز مهم شیعیان تبدیل شود. پس باید شخصیت بزرگی را به‌عنوان کانون این مقر انتخاب می‌کردند، باید کسی انتخاب می‌شد که دارای درجه علمی و معنوی رفیعی باشد، طوری که برادرش از مشهد بگوید زیارت تو هم‌تراز با زیارت من است. این بانو محور وحدت بزرگ شیعیان شد، هر چند که ورود شیعیان به قم مربوط به قبل از ورود ایشان است اما تقویت وحدت قم به بعد از وفات ایشان برمی‌گردد. حضرت معصومه می‌توانست امام زمانش را تخریب کند و امتیازهایی طلب کند اما محور زندگی خود را بر پایه ولایت‌مداری قرار دادند. شرایط عصر امام رضا به دلیل وجود نزدیکان حسود و افراد رقابت‌طلب سخت شده بود، اما حضرت معصومه اعتبار خود را خرج امام کردند. ایشان می‌دانستند که سفر از مدینه به خراسان بسیار سخت خواهد بود، اما باز هم در این مسیر سوزان قدم نهادند و خود را فدای ولایت و برادر کردند. عشق و محبت امام رضا به خواهرش را نیز می‌توان با توجه به زیارت‌نامه‌های نوشته شده به دست خود امام رضا متوجه شد؛ به طوری که بعد از حضرت فاطمه زهرا (س) تنها زیارتی که از امام معصوم برای یک زن نقل شده، زیارت حضرت معصومه - سلام الله علیها - است و هیچ‌یک از بانوان خاندان عصمت و طهارت زیارت مخصوص از امام ندارند.

از فاصله‌ها با نزدیک کردن کردار و رفتار خود به ایشان عرض ادبی می‌کنیم...

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ...





## وارثان سرزمین زیتون

مریم عبدالحی  
پزشکی بهمن ۱۴۰۲

این زخم‌های نشسته بر پیکره‌ی مظلومان تاریخ و این نشستی خون بر خاسته از دل ستم‌دیدگان عالم که سینه به سینه از حق‌طلبان دل‌سوخته به ارث می‌رسد، نشانی از یک مسیر دارد. مسیری به سمت آسمان که انسان‌هایی وارسته، آن را پروانه‌وار گشودند و رهنمای ما در این تاریک‌خانه‌ی دنیا شدند. مسیری جاری در تاریخ که یک امتداد و یک مقصد دارد. از اول روزی که نفس و شیطان، دست به دست یکدیگر و در تقابل با این مسیر، آدم را به خطا سوق دادند، تا به امروز که نفس و شیطان، پای خود را بیش از پیش فرا گذاشته و ظلم به دیگری را نقل محافل حقوق بی‌بشر قرار داده‌اند، این مسیر علم برافراشته و ایستاده است و ایستاده خواهد ماند.

قرن‌ها قبل، در گوشه‌ای از عالم سرزمینی گرم با درختان زیبای زیتون وجود داشت که انسان‌های مهربانی را در خود جای داده بود. سرزمینی در امتداد مدیترانه که دخترانی صبور پرورش داده و صدای خنده‌ی شیرین آن‌ها را در گوش تاریخ پژواک می‌داد.

کمتر از یک قرن پیش، در گوشه‌ای از عالم، مظلوم‌نمایی شروع به جولان دادن کردند. آن‌ها سندهای ظلم را یک‌به‌یک به امضای گلوله‌ها رساندند. سندهایی که پای آن‌ها با خون‌های بی‌گناه مهر شده بود و جهان به میمنت این رویداد نامیمون در سکوتی کرکننده به خواب رفت.

در این سال‌های طولانی، انسان‌های آن گوشه عالم، در سرزمین شاخه‌های زیتون، آواره و محاصره شدند. رنج همچون خنجر می‌کند، تنه‌ی درختان زیبای زیتون را می‌خراشید و نهال‌های زیتون را قطعه قطعه می‌کرد. دختران سرزمین زیتون از همان آغاز زندگی، پا به عرصه‌ی مرگ می‌گذاشتند. در حقیقت، در تمام آن سال‌ها قنடை هم‌هی نوزادان را با مرگی تدریجی می‌پیچیدند اما ناگهان طوفانی سهمگین، رنج را آشکار کرد. گویی تلنگری لازم بود تا جهان باری دیگر به زیتون‌های ریخته بر زمین نگاه کند. درخت بی‌شاخ و برگی که مرگ تدریجی دست روی گلوی او گذاشته بود و می‌فشرده، این بار در برابر دیدگان جهان هویدا شد و غاصبان انسانیت به تلافی این هویدایی، پنجه بر پیکره‌ی انسانیت کشیده و هویت اصلی خود را نمایان کردند. به یک باره مرگ سرعت گرفت. امروز دیگر با آغاز بارش فلزات داغ و مسموم مرگ جگر گوشه‌های سرزمین زیتون آبی و لحظه‌ای شده است. دیگر به جای اذان و اقامه باید در گوششان شهادتین زمزمه کرد؛ زیرا معلوم نیست که چند ساعت تا ریخته شدن خون پاکشان بر دامان مادران خود، زمان دارند.

در طول این سال‌ها، آن‌جا دیگر گوشه‌ای از عالم نبود و در پیکره جهان، خبری از سرزمین صلح و زیتون نبود. انسان‌نماهایی که

همزمان با غصب آن سرزمین، انسانیت را هم غصب کرده بودند، آن گوشه از عالم را به "نامکان" تبدیل کردند. آن نامکان، جایی است که دختران، در دستان مادران و مادران، در آغوش دختران داغ‌دیده خود با یکدیگر وداع می‌گویند و دیدار را به پس از این دنیا حواله می‌دهند. در آن‌جا دیگر صدای خنده دختران به یادگار نمی‌ماند.

شاید دیگر دختری نمانده که طنین صدایش در خانه بیچد، البته اگر خانه‌ای باقی مانده باشد. در نامکان، ده‌ها هزار کودک و زن بی‌گناه با بمب‌های فسفوری چند تنی سلاخی می‌شوند. در نامکان، بیمارستان‌ها و مدارس همان قبرستان‌های بزرگ با شمار زیادی از افراد مدفون است. در نامکان، زندگی و مرگ، پیوندی ناگسستنی دارند. نامکان همان است که به قول معروف در آن شهیدی است که شهیدی تیمارش می‌کند و شهیدی به تصویرش می‌کشد و شهیدی تشییعش می‌کند و شهیدی بر آن نماز می‌گذارد. نامکان همان است که در آن زنان رشد یافته‌اند که آن‌قدر به انقطاع الی الله رسیده‌اند که مرگ و زندگی خود را یکی می‌دانند و لحظه به لحظه زندگی خود را با آیات قرآن درآمیخته‌اند و آن‌قدر شجاعانه زیست می‌کنند که نبرد سرافرازانه بر سر پیروزی یا مرگ را برمی‌گزینند. در حقیقت، تنه‌تنومند درخت زیتون، در این نامکان آنقدر ریشه دوانده که اگرچه در برابر امواج متلاطم شاخه‌هایش شکسته شده اما لحظه‌ای از این سرزمین جدا نشده و نخواهد شد.

در طول تاریخ بشریت، مسیر و جریان حق در مظلومیت قرار می‌گرفته است؛ اما این مظلومیت هیچ‌گاه به معنای پایان مسیر نیست. مسیر حق، مقتدر مظلوم است. اقتداری که معجزه‌خدا برای انسان‌های خالص و مقاوم است. اقتداری که امروز در قالب مقاومت متجلی است و در مقابل مستکبران عالم ایستادگی می‌کند. این اقتدار، ظلمی را که در دنیا ریشه دوانده و شاخ و برگ هرز آن، شاخه‌های زیتون را به خفقان کشانده بود، به زودی نه فقط هرس، که آن را ریشه‌کن خواهد کرد و این سرزمین را به وارثان حقیقی زمین واگذار خواهد کرد.

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، آیه 5)





## زیر پوست آرامش

فاطمه جمشیدی  
هوشبری بهمن ۱۴۰۲

گاهنامه تخصصی حوزه زنان، شماره هفتم  
هر خانم‌ای که در آن دختر باشد، هر روز دوازه برکت و رحمت از آسمان ارزانی‌اش می‌شود. حضرت محمد (ص)

مادر

سلامت روان دختران یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌ها و جامعه به شمار می‌رود و نقشی کلیدی در کیفیت زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد. دختران، به دلیل شرایط خاص سنی، فرهنگی و اجتماعی، در برخی موارد بیش از سایر گروه‌ها در معرض خطر اختلالات روانی مانند افسردگی و اضطراب قرار دارند. مطالعات نشان می‌دهد که زنان جوان نسبت به مردان بیشتر نشانه‌های افسردگی و اضطراب را تجربه می‌کنند و میزان خودآزاری در میان آنان در سال‌های اخیر روند افزایشی داشته است.

در این زمینه، چند دسته از عوامل می‌توانند بر سلامت روانی دختران تأثیرگذار باشند:

1. عوامل روان‌شناختی: کمال‌گرایی منفی، دشواری در مدیریت محدودیت‌ها، نداشتن هدف مشخص در زندگی و به تعویق افتادن نقش‌های اجتماعی از جمله عواملی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز مشکلات روانی در دختران شوند. همچنین، گرایش به درونی‌سازی مشکلات و عدم بیان احساسات، می‌تواند خطر ابتلا به افسردگی، اختلالات خوردن و آسیب به خود را افزایش دهد.

2. عوامل اجتماعی: فشارهای اجتماعی و فرهنگی، از جمله کلیشه‌های جنسیتی، تبعیض‌های جنسیتی و انتظارات سنتی، ممکن است عزت نفس دختران را کاهش داده و منجر به بروز استرس، اضطراب و احساس گناه شود. تجربه خشونت خانگی، سوءاستفاده‌های جسمی یا روانی و آزارهای اجتماعی نیز از عوامل مهم خطرزا محسوب می‌شوند. علاوه بر این، مشکلات اقتصادی، به‌ویژه در خانواده‌های کم‌درآمد، می‌تواند با افزایش استرس و کاهش دسترسی به خدمات سلامت روان، خطر اختلالات روانی را تشدید کند.

3. عوامل خانوادگی: کیفیت روابط خانوادگی و میزان حمایت عاطفی نقش مهمی در سلامت روان دختران ایفا می‌کند. نبود حمایت کافی، تعارضات خانوادگی و محیط ناسالم می‌توانند زمینه ساز اختلالات روانی شوند. در مقابل، خانواده‌هایی که به تقویت عزت نفس و مهارت‌های مقابله‌ای دختران توجه دارند، نقش محافظتی مؤثری دارند.

4. عوامل فرهنگی و آموزشی: ضعف فرهنگ‌سازی در پذیرش نقش‌های جدید زنان و نادیده گرفتن استعدادها و تفاوت‌های فردی می‌تواند به سلامت روان دختران آسیب وارد کند. همچنین، نبود آموزش‌های لازم درباره سواد سلامت روان و ضعف در فضای آموزشی و رسانه‌ای در این زمینه از چالش‌های موجود است.

5. عوامل حمایتی و اجتماعی: شبکه‌های حمایتی قوی، مانند دوستان، خانواده و گروه‌های اجتماعی، نقش مهمی در محافظت از سلامت روان دارند. فقدان این شبکه‌ها می‌تواند احساس تنهایی و انزوا را افزایش دهد. همچنین، محدودیت دسترسی به خدمات بهداشتی و روان‌شناسی، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار، می‌تواند موجب تداوم و تشدید مشکلات روانی شود.

دختران ایرانی نیز همانند هم‌تایان خود در سراسر جهان با چالش‌های متعددی در حوزه سلامت روان مواجه هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شیوع اختلالات روانی در زنان ایرانی نسبت به مردان بیشتر است و افسردگی، به‌ویژه در میان دختران نوجوان و جوان، یکی از شایع‌ترین مشکلات گزارش‌شده است. مهم‌ترین عوامل مؤثر در این زمینه عبارتند از:

. فشارهای فرهنگی و اجتماعی: انتظارات بعضاً غیرواقع‌بینانه از دختران، تبعیض‌های جنسیتی و نگاه‌های سنتی می‌تواند عزت نفس را کاهش داده و اضطراب و افسردگی را افزایش دهد.

. مشکلات اقتصادی و اجتماعی: چالش‌های اقتصادی نظیر بیکاری، فقر و نگرانی‌های مالی می‌توانند با ایجاد استرس مزمن، سلامت روان را تحت تأثیر قرار دهند.

. تغییرات هورمونی: تغییرات فیزیولوژیکی در دوره‌های بلوغ، قاعدگی، بارداری و یائسگی می‌تواند با نوسانات خلقی و در برخی موارد با اختلالات روانی مانند افسردگی پس از زایمان همراه شود.

. تجرد و احساس تنهایی: برخی از دختران مجرد، به‌ویژه در کلان‌شهرها، به دلیل احساس تنهایی و فقدان حمایت اجتماعی، ممکن است بیشتر در معرض اختلالات روانی قرار گیرند.

. محیط خانوادگی و تربیت: نبود دلبستگی ایمن در کودکی، تعارض‌های خانوادگی، طلاق یا بی‌توجهی به نیازهای عاطفی می‌تواند در شکل‌گیری مشکلات روانی نقش داشته باشد.

. تابو بودن بیماری‌های روانی: کمبود آگاهی و پذیرش عمومی درباره بیماری‌های روانی، موجب می‌شود دختران کمتر به دنبال کمک تخصصی بروند و مشکلات آن‌ها به موقع تشخیص داده نشود.

با توجه به چالش‌های موجود، راهکارهای زیر می‌تواند در پیشگیری و ارتقاء سلامت روانی دختران مؤثر باشد:

. گسترش آموزش و آگاهی‌بخشی: آموزش مهارت‌های زندگی، مدیریت استرس و ارتقای تاب‌آوری از سنین پایین در خانواده‌ها و مدارس.

. افزایش دسترسی به خدمات تخصصی: توسعه مراکز مشاوره و خدمات روان‌درمانی با کیفیت و قیمت مناسب در سراسر کشور.

. تقویت حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی: ایجاد محیط‌های امن و حمایتی برای گفت‌وگو درباره مشکلات، و ارتقای روابط مثبت والدین با فرزندان که این مورد یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند باعث بهبود سلامت روانی دختران در جامعه گردد. پناهگاه امن هر دختری در دنیای امروز خانه و خانواده‌اش است که بهتر از هر کس دیگری می‌تواند باعث حال خوب او باشند.

. توجه به عوامل اقتصادی: اجرای سیاست‌های حمایتی در جهت کاهش فشارهای اقتصادی خانواده‌ها که می‌تواند به بهبود سلامت روان کمک کند.

با اجرای این راهکارها می‌توان به ارتقاء سلامت روان دختران ایرانی کمک کرد و مسیر رشد فردی و اجتماعی آنان را هموارتر ساخت.





## زخم‌های خاموش

ریحانه شایان  
پزشکی بهمن ۱۴۰۲

خشونت خانگی علیه دختران و زنان یکی از گسترده‌ترین اشکال نقض حقوق بشر در سراسر جهان به شمار می‌رود. این نوع خشونت که در محیط خصوصی خانواده رخ می‌دهد، با نقض کرامت انسانی، آزادی‌های اساسی و حقوق اجتماعی قربانیان، پیامدهای گسترده‌ای بر سلامت فردی و اجتماعی برجای می‌گذارد. دختران به دلیل جایگاه آسیب‌پذیر خود در خانواده و جامعه، بیش از زنان بالغ در معرض خشونت‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی و جنسی قرار دارند. هدف این بخش از نشریه، تبیین ابعاد مختلف خشونت خانگی علیه زنان و دختران، بررسی نظریه‌های تبیینی، تحلیل پیامدهای آن، تشریح نقش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در مقابله با خشونت، و در نهایت تحلیل اقدامات دولت ایران در این زمینه به‌ویژه لایحه منع خشونت علیه زنان است.

مفاهیم و انواع خشونت: خشونت خانگی اشکال مختلف فیزیکی، روانی، اقتصادی، جنسی و فرهنگی را شامل می‌شود. برخی از مصادیق خشونت ممکن است در یک فرهنگ، رفتاری عادی تلقی شود، اما در فرهنگی دیگر، خشونت‌آمیز دانسته شود.

نظریه‌های تبیینی خشونت خانگی: تحلیل خشونت خانگی مستلزم بهره‌گیری از مجموعه‌ای از نظریه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی است که هر یک بخشی از واقعیت را روشن می‌کنند:

1. نظریه نظارت اجتماعی (Social control theory): این نظریه که ریشه در جامعه‌شناسی دارد، معتقد است که وقتی پیوندهای اجتماعی افراد با نهادهایی نظیر خانواده، مدرسه، دین و قانون تضعیف شود، احتمال بروز رفتارهای خشونت‌آمیز افزایش می‌یابد. در خانواده‌هایی که روابط محبت‌آمیز، نظارت درونی، تعهد متقابل و ارزش‌های اخلاقی کمرنگ شده، بستر برای اعمال خشونت مهیاست. از منظر این نظریه، دولت‌ها باید با تقویت نهادهای اجتماعی و ارتقاء پیوندهای اجتماعی، از خشونت خانگی پیشگیری کنند.

2. نظریه کارکردگرایی (functionalism): کارکردگرایان خانواده را نهادی می‌دانند که باید نظم اجتماعی و نقش‌های جنسیتی را بازتولید کند. اگر در عملکرد خانواده اختلال ایجاد شود (مانند از دست رفتن اقتدار پدر یا ضعف در نقش‌های جنسیتی سنتی)، برخی اعضای خانواده ممکن است برای بازگرداندن توازن به خشونت متوسل شوند. این نظریه درعین‌حال که چرایی خشونت را بررسی می‌کند، منتقدانی دارد که آن را موجب توجیه سلطه مردان می‌دانند.

نظریه فرهنگی (cultural theory): این دیدگاه تأکید دارد که فرهنگ‌های مردسالار، عرف‌های سنتی، باورهای دینی تفسیرشده و الگوهای تربیتی نابرابر، خشونت علیه زنان و دختران را مشروع یا



طبیعی جلوه می‌دهند. در جوامعی که اطاعت زن از مرد فضیلت تلقی می‌شود یا تنبیه بدنی به عنوان روش تربیتی پذیرفته شده، خشونت خانگی به بخشی از هویت فرهنگی تبدیل می‌شود.

4. نظریه فمینیستی (FEMINIST THEORY): فمینیست‌ها خشونت خانگی را بازتابی از ساختارهای سلطه‌جویانه و نابرابر جنسیتی می‌دانند. به اعتقاد آنان، کنترل اقتصادی، فرهنگی و جسمانی زنان توسط مردان در چارچوب نهاد خانواده، به وسیله خشونت اعمال و تثبیت می‌شود. این نظریه بر ضرورت بازتعریف نقش‌های جنسیتی، آموزش جنسیتی، توانمندسازی زنان و اصلاح نهادهای قانونی و اجتماعی تأکید دارد.

5. نظریه ساختار اجتماعی (SOCIAL STRUCTURE THEORY): این نظریه ریشه خشونت را در فقر، بیکاری، اعتیاد، تبعیض طبقاتی و محرومیت می‌بیند. از نگاه این نظریه، افرادی که در حاشیه ساختار قدرت و ثروت قرار دارند، بیشتر مستعد اعمال خشونت هستند. خشونت به عنوان ابزار تخلیه تنش و جبران حس بی‌قدرتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

6. نظریه سیستم‌ها (SYSTEMS THEORY): این دیدگاه خشونت خانگی را نتیجه تعامل چندین عامل در یک سیستم اجتماعی و خانوادگی می‌داند. از نظر سیستمیک، رفتار خشونت‌آمیز نتیجه الگوهای ناسالم ارتباطی، ضعف در حل تعارضات و فشارهای بیرونی (مانند مسائل اقتصادی یا تنش‌های شغلی) است. راهکار پیشنهادی این نظریه، مداخله در سطح خانواده و اصلاح روابط بین اعضا از طریق درمان خانوادگی است.

7. نظریه روانشناختی (PSYCHOLOGICAL THEORY): برخی رویکردهای روانشناسی، خشونت خانگی را محصول اختلالات روانی، ویژگی‌های شخصیتی پرخاشگرانه، آسیب‌های دوران کودکی یا تجربیات فردی می‌دانند. این دیدگاه بر درمان فردی، مشاوره، و اصلاح رفتار فرد خشونت‌ورز متمرکز است و از نظر برخی منتقدان، با نادیده گرفتن ساختارهای اجتماعی، خشونت را به مشکل فردی تقلیل می‌دهد.

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ترکیبی از نظریه فرهنگی (CULTURAL THEORY) و نظریه ساختار اجتماعی (SOCIAL STRUCTURE THEORY) برای تبیین خشونت خانگی علیه زنان و دختران در ایران کاربرد بیشتری دارد. نظریه فرهنگی در ایران به‌خوبی توضیح می‌دهد که چگونه باورهای سنتی، هنجارهای مردسالارانه، تفاسیر خاص دینی و ارزش‌های فرهنگی باعث پذیرش یا توجیه خشونت می‌شود. نظریه ساختار اجتماعی هم نقش فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، نابرابری اقتصادی، اعتیاد، و مشکلات ساختاری در افزایش خشونت خانگی را توضیح می‌دهد. در ایران خشونت علیه زنان فقط ناشی از جنسیت نیست؛ بلکه ریشه در ترکیبی از مشکلات فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی دارد.





پیامدهای خشونت خانگی علیه زنان و دختران

خشونت خانگی پیامدهای متعددی در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد، از جمله:

- جسمی: آسیب‌های فیزیکی، بیماری‌های مزمن، ناتوانی جسمی
- روانی: افسردگی، اضطراب، اختلال استرس پس از سانحه، گرایش به خودکشی
- اجتماعی: طلاق، فروپاشی خانواده، کاهش مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان
- بین‌نسلی: انتقال الگوی خشونت به نسل‌های بعدی

نقش و مداخله دولت‌ها در مقابله با خشونت خانگی

دولت‌ها وظیفه دارند از طریق:

- مداخلات قانونی: تصویب قوانین جامع منع خشونت خانگی، ایجاد دادگاه‌های ویژه خانواده، جرم‌انگاری خشونت خانگی
- مداخلات حمایتی: راه‌اندازی خانه‌های امن، مراکز مشاوره، خطوط تلفنی اضطراری
- مداخلات فرهنگی-آموزشی: ارتقاء آگاهی عمومی، اصلاح نگرش‌های جنسیت‌زده، ترویج برابری جنسیتی

نقش جامعه بین‌المللی در مقابله با خشونت علیه زنان

سازمان‌های بین‌المللی و اسناد حقوق بشری همچون کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW)، اعلامیه جهانی حقوق بشر، و کنوانسیون حقوق کودک (CRC)، دولت‌ها را ملزم به اتخاذ تدابیر قانونی و اجرایی برای حمایت از زنان و دختران در برابر خشونت می‌کنند. همچنین نهادهایی نظیر کمیته CEDAW و گزارشگر ویژه سازمان ملل بر عملکرد کشورها نظارت دارند.

شورای عمومی سازمان ملل، روز 25 نوامبر را به‌عنوان روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان معرفی کرده و نهادهای بین‌المللی از کشورها خواسته‌اند تا با جرم‌انگاری خشونت و حمایت از قربانیان،

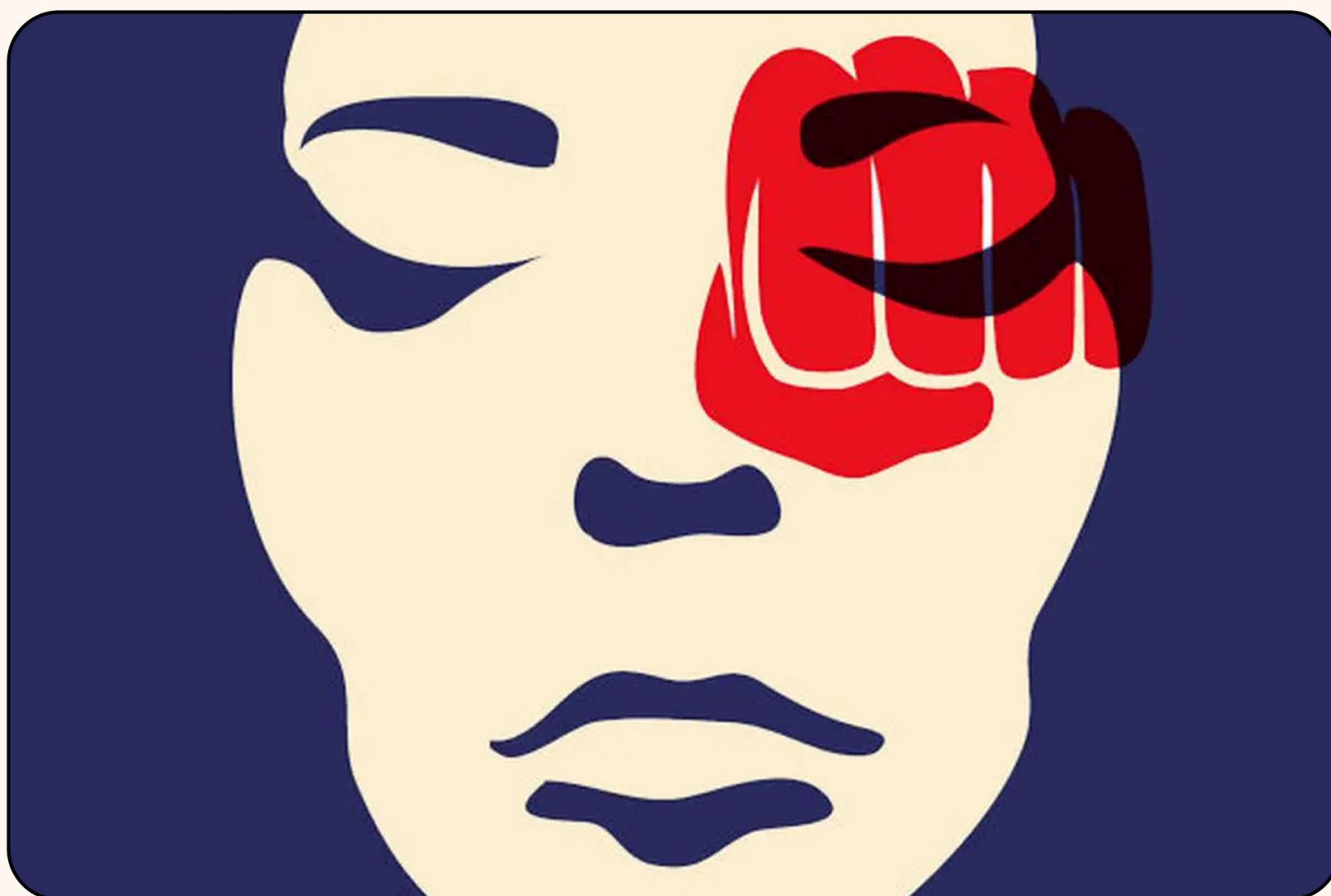
مسئولیت‌پذیری بیشتری نشان دهند. در کشورهای نظیر سوئد، کانادا و بریتانیا، مراکز امن برای دختران خشونت‌دیده، آموزش والدین، خطوط مشاوره فوری و قوانین سفت‌وسخت علیه ازدواج اجباری و تنبیه بدنی در خانه اجرا شده‌اند.

بررسی نقش دولت ایران و لایحه منع خشونت علیه زنان در ایران:

اگرچه قوانینی نظیر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (1399) و برخی مواد قانون مدنی به حمایت از زنان در برابر خشونت پرداخته‌اند، اما کمبود یک قانون جامع خشونت خانگی مشهود است. "لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت" که سال‌هاست در دست بررسی است، گام مثبتی در این زمینه محسوب می‌شود.

این لایحه با هدف پیشگیری از خشونت، حمایت از قربانیان و برخورد موثر با عاملان تدوین شده و مواردی چون ایجاد مراکز حمایتی، جرم‌انگاری اشکال مختلف خشونت، و ارائه خدمات حقوقی و روانشناختی به قربانیان را پیش‌بینی کرده است. با این حال، تصویب نهایی و اجرای کارآمد آن نیازمند اراده سیاسی قوی، تأمین منابع مالی و همکاری نهادهای مختلف دولتی و مدنی است.

خشونت خانگی علیه زنان و دختران یک معضل جهانی و چندعاملی است که رفع آن نیازمند همکاری همه‌جانبه دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، جامعه مدنی و افکار عمومی است. تدوین و اجرای قوانین جامع، آموزش فراگیر، حمایت موثر از قربانیان و تغییرات ساختاری در نگرش‌های فرهنگی، راه‌های اصلی مقابله با این پدیده هستند. در ایران نیز، تسریع در تصویب لایحه منع خشونت علیه زنان و اجرای موثر آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در راستای تحقق عدالت اجتماعی و حفظ حقوق انسانی زنان و دختران است.





## ۲۱ سال خدمت در خط مقدم نجات جان انسان‌ها

زینب اخگر  
پزشکی مهر ۱۴۰۳

سروصدای حضور خانم‌ها در ایستگاه‌های آتش‌نشانی شاید برای بسیاری از افراد این پرسش مطرح باشد که آیا واقعاً خانم‌ها در ایران می‌توانند به عنوان آتش‌نشان فعالیت کنند؟ شاید برایشان عجیب باشد که این شغل در حال حاضر برای زنان هم قابل دستیابی است. منصوره جوانمرد یکی از این زنان است که سال‌هاست در عرصه آتش‌نشانی مشغول به کار است. او اولین گروه از آتش‌نشان‌های زن در ایران را تشکیل داد که در سال ۱۳۸۱ به شغل آتش‌نشانی پیوستند و به طور رسمی در ایستگاه‌های ویژه بانوان در کرج به کار مشغول شدند.

آغاز مسیر حرفه‌ای منصوره جوانمرد در آتش‌نشانی منصوره جوانمرد زمانی که وارد عرصه آتش‌نشانی شد، با یک شغل پرچالش مواجه شد که بسیاری از افراد هنوز آن را مختص مردان می‌دانستند. او اولین تجربه‌های خود را از فعالیت در ایستگاه ۱۷ کرج به یاد می‌آورد. او به خوبی به خاطر می‌آورد که چگونه در ابتدا مردم با دیدی متفاوت به آتش‌نشان‌های خانم نگاه می‌کردند. منصوره می‌گوید: «بسیاری از افراد نمی‌توانستند باور کنند که یک زن بتواند در عملیات‌های خطرناک آتش‌نشانی نقش ایفا کند. در آن زمان، حتی پس از گذشت چند سال از حضورمان، هنوز هم افرادی بودند که از ما می‌پرسیدند آیا واقعاً خانم‌ها می‌توانند در آتش‌نشانی کار کنند؟»

همگامی با مردان در میدان عمل یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات رایج درباره آتش‌نشانی بانوان این است که برخی فکر می‌کنند آن‌ها از انجام وظایف سنگین و پرخطر اجتناب می‌کنند. منصوره جوانمرد به شدت این تصور را رد می‌کند و توضیح می‌دهد که آتش‌نشان‌های خانم در کنار مردان به تمام مأموریت‌ها اعزام می‌شدند و هیچ تفاوتی از نظر کار و سختی کار وجود نداشت. او از تجربه‌هایش در مأموریت‌های مشترک با تیم‌های مرد یاد می‌کند و می‌گوید: «ما در هر مأموریتی، چه بزرگ و چه کوچک، در کنار آقایان حضور داشتیم. هیچ تفاوتی وجود نداشت و همگی به طور یکسان مسئولیت‌ها را به عهده می‌گرفتیم.»

چگونه به آتش‌نشان تبدیل شدم؟ منصوره جوانمرد به علاقه‌اش به شغل‌های چالش‌برانگیز اشاره می‌کند و می‌گوید که از همان دوران جوانی به کمک به مردم علاقه داشته است. اما در ابتدا فکر نمی‌کرده که شغلی مانند آتش‌نشانی برای زنان هم وجود داشته باشد. او از دوره‌ای می‌گوید که در یک اردو شرکت کرده و ناگهان با آزمون ورودی آتش‌نشانی روبه‌رو شد. با وجود اینکه ابتدا نگران بود که شاید نتواند از پس این آزمون‌ها بر بیاید، اما در نهایت با موفقیت در آزمون‌ها



شرکت کرده و اولین گام‌ها را در این حرفه برداشت. آتش‌نشان شدن به معنای آمادگی جسمانی و ذهنی او تأکید می‌کند که برای ورود به این حرفه، نه تنها به آمادگی جسمانی نیاز است، بلکه باید از آمادگی روانی هم برخوردار باشید. منصوره به سختی‌های تمرینات و آزمون‌های ورزشی اشاره می‌کند که برای انجام درست مأموریت‌ها لازم بود. «آمادگی جسمانی برای من بسیار مهم بود. البته ورزش همیشه در زندگی‌ام نقشی کلیدی داشت و کمک کرد تا در آزمون‌های سخت آتش‌نشانی موفق شوم. بدون این آمادگی، هیچ‌وقت نمی‌توانستم در این شغل دوام بیاورم.»

سخت‌ترین لحظات در حرفه آتش‌نشانی شاید سخت‌ترین چالش‌ها و خاطرات تلخ منصوره جوانمرد از دوران کاری‌اش به بحران‌های طبیعی مانند زلزله بم برمی‌گردد. او با یادآوری آن روزها، بیان می‌کند که هرگز فراموش نخواهد کرد که چگونه در میان خرابه‌های شهر بم مشغول به جستجو برای پیدا کردن نجات‌یافتگان بود. «دیدن خانواده‌هایی که همه اعضای خود را از دست داده بودند، یکی از دردناک‌ترین تجربه‌ها بود. هر چند که تلاش کردیم و جان‌های بسیاری را نجات دادیم، اما هنوز هم در دل‌مان غم آن روزها باقی است.»

پذیرش اجتماعی و نیاز به تغییر نگرش یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که منصوره و همکارانش با آن روبه‌رو بودند، عدم پذیرش اجتماعی شغل آتش‌نشان خانم‌ها بود. منصوره با اشاره به این چالش‌ها می‌گوید: «حتی بعد از سال‌ها کار، هنوز بسیاری از افراد باور نمی‌کنند که خانم‌ها در این حرفه فعالیت می‌کنند. ما باید خود را ثابت می‌کردیم و با عملکرد خود به جامعه نشان می‌دادیم که توانایی انجام این کار را داریم.»

پایان راه یا ادامه مسیر؟ اگرچه منصوره جوانمرد به تازگی بازنشسته شده است، اما همچنان برایش مهم است که زنان بیشتری وارد این حرفه شوند. او به این نکته اشاره می‌کند که با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، زمان آن رسیده است که جامعه به طور کامل از توانایی‌های زنان در تمامی عرصه‌ها، به ویژه در شغل‌های پرخطر، آگاه شود.





از لحاظ توانایی‌های فکری و روحی در هر دو جنس زن و مرد، استعدادهای بی‌نهایت وجود دارد، تفاوتی با همدیگر ندارند. یعنی در علم زن و مرد هر دو میتوانند مسابقه بدهند اینجور نیست که مردها عالم‌تر از زنها باشند نه، زنهای بزرگی، والایی، دارای مقامات برجسته‌ای از لحاظ علمی در تاریخ بودند امروز البته صدها برابر بیشتر هم در دانشگاه هم در حوزه وجود دارند.

از لحاظ علم، از لحاظ هنر، از لحاظ نوآوری‌های فکری و عملی، از لحاظ اثرگذاری اجتماعی و فکری و سیاسی، از لحاظ فعالیتهای اقتصادی این توانایی‌ها در هر دو جنس وجود دارد.

**امام خامنه‌ای (حفظه الله تعالی)**